

برشی از داستان سفر من

حسین ساسانی

»

»

»

«

»

«

۱) «مشاهده‌گر و جستجوگر»

دوران پایانی دبیرستان را سپری می‌کردم. تنها چیزی که ذهن مرا به خود مشغول نمی‌کرد، ورود به دانشگاه و ادامه تحصیل در یکی از بهترین دانشگاه‌های کشور یعنی دانشگاه تهران بود. بر حسب تصادف، دوست فرزانه‌ای پیدا شد و من را از خامی به پختگی رساند. در پیچه جدیدی از زندگی و نگاه به زیستن و زاینده‌گی را برایم گشود. مرا به سفری برد از اصفهان به تهران. اولین دیدار من از تهران! ایشان در عرض یک سفر ۱۰ روزه، اغلب دانشگاه‌های تهران را به من نشان داد و من مبهوت درب ورودی دانشگاه تهران و عظمت درون دانشگاه و دانشکده‌های آن شدم! با خود گفتم؛ من از کسانی که در این دانشگاه تحصیل می‌کنند چه چیزی کم دارم؟ آن لحظه، لحظه الهام‌بخش در انتخاب مسیر تحصیلی من بود. بعدها در این فکر بودم که ای کاش، کسی در سر راه من قرار می‌گرفت و مرا به امریکا می‌برد و دانشگاه‌های هاروارد، استنفورد، ام‌آی‌تی و ... را نشانم می‌داد!

می‌گویند؛ باید رفیق راهت را پیدا کنی تا مثل پرنده از این منزل به آن منزل پروازت دهد. و اگر پیدایش کردی خودت را نه، او را بزرگی بخشی و به او جانشانی. من پیدایش کردم و در اینجا به بزرگی از وی یاد می‌کنم. دوستان همانند آینه‌هایی هستند که تصویر همدیگر را منعکس می‌کنند. در وجود یکدیگر به تماشای ابدیت می‌نشینند و در چرخش روزگار همراه و همراز هم می‌شوند. من خوشبخت بودم که دوستی این چنین در دوران نوجوانی مرا همراهی کرد و دنیای دیگری را به روی من گشود. انسانی اصیل و مشفق که الهام‌بخش من برای یاد گرفتن و کشف کردن خودم و دنیای پیرامونم به عنوان یک «جستجوگر» بود. بعدها به این درک رسیدم که اولین کار من «جستجوگری و کنجاوی» است.

با جدیت برای امتحان کنکور آماده شدم. در این میان، خانواده دو شرط برای تحصیل من گذاشت؛ اول اینکه به دلیل مشکلات مالی خانواده باید در اصفهان که محل سکونت ما بود تحصیل کنم، دوم اینکه، دور رشته‌های دهن پرکن خط بکشم و رشته‌ای را انتخاب کنم که در حین تحصیل بازار کار برای آن رشته وجود داشته باشد. در آن زمان، برادر و بستگان نزدیک من در رشته‌های مهندسی تحصیل کرده بودند ولی به خاطر شرایط کشور، بازار کار مناسبی برای آنها در رشته مهندسی وجود نداشت!

من با هر دو تکلیف اجباری مخالف بودم. رویای من تحصیل در دانشگاه تهران در رشته مهندسی بود. سخت بود که از خواسته خانواده سرباز زنم. تصمیم گرفتم در هر شرایطی اولین انتخابم دانشگاه تهران باشد، ولی برای اینکه احتمالاً مرا از تحصیل در دانشگاه محروم نکنند به رشته مورد نظر آنها یعنی رشته حسابداری که هیچ ذهنیتی از آن نداشتیم، تن دهم و چنین کردم. اعلام نتایج کنکور در مرحله دوم همه را غافلگیر کرد! حضور در دانشگاه تهران به معنی ایجاد یک هزینه اضافی برای یکی دیگر از فرزندان خانواده کم‌درآمد بود. تحصیل در رشته حسابداری در دانشگاه تهران با بی‌میلی و بدون هیچ‌گونه اشتیاقی شروع شد و تا سال دوم ادامه یافت. در سال دوم تحصیلی، تصمیم گرفتم که از رشته حسابداری انصراف دهم و اگر شرایط اجازه دهد رشته دیگری را شروع کن. اما با مخالفت شدید روبرو شدم. استدلال‌شان ظاهراً درست بود! صرف هزینه و زمان!

آموزش‌های دانشگاهی و آکادمیک:

قبولی در کنکور سراسری با
رتبه پنج کشوری
کارشناس رشته حسابداری از
دانشگاه تهران
کارشناس مهندسی صنایع از
دانشگاه آزاد تهران
کارشناسی ارشد مهندسی
صنایع از دانشگاه علم و
صنعت ایران
دکتری مهندسی صنایع از
دانشگاه تهران
دوره آموزشی عالی مدیریت
در کشور ژاپن با عنوان:

The Role of Business
Innovation by Information
Technology (BIIT)

دوره آموزشی عالی مدیریت
در کشور ژاپن با عنوان:

The Leadership
of Executives,
To Achieve Ideal
Leadership and
Followership

خوشبختانه همان فردی که مرا مجبور به انتخاب رشته حسابداری کرد، راه حلی پیش پای من گذاشت. آن زمان، افرادی که در دانشگاه دولتی تحصیل می‌کردند اجازه داشتند که هم‌زمان در دانشگاه آزاد هم تحصیل کنند. ایشان پیشنهاد دادند؛ رشته مهندسی صنایع و حسابداری در مدیریت کسب‌وکارها و تصمیم‌گیری‌های یک مدیر صنعتی می‌تواند راهگشا باشد. بنابراین برای اثبات شایستگی خودت و رسیدن به علایق این دو رشته را هم‌زمان تحصیل کن و من این پیشنهاد را قبول کردم و ایشان با بزرگواری هزینه‌های دانشگاه آزاد مرا تقبل کرد. لازم به ذکر است که اخذ مدرک کارشناسی حسابداری به دلیل تحصیل در دو رشته به صورت هم‌زمان، یازده ترم طول کشید و با پاس کردن واحدهای باقی‌مانده در آخرین ترم تعیین شده برای فارغ‌التحصیلی، احتمال اخراج از دانشگاه تهران را با شگفتی پشت سر گذاشتم.

برای مقطع کارشناسی ارشد، رشته مهندسی صنایع را ادامه دادم که با علایق من همسویی داشت. دانشگاه علم و صنعت ایران مکان بعدی برای تحصیل من بود. پایان‌نامه من با عنوان «طراحی مدل جامع برنامه‌ریزی استراتژیک و پیاده‌سازی پایلوت آن در شرکت صنعتی بوتان» زیر نظر دکتر سید محمد سید حسینی و دکتر نوالسناء به تحصیلم در مقطع کارشناسی ارشد خاتمه داد.

همکاری من با فرهنگستان علوم دریچه دیگری در در یادگیری من گشود و دانشمندی که تفکراتش پناهگاهی است برای اذهان کنجکاو که در آن با یکدیگر ملاقات می‌کنند، از من خواست که در مقطع دکترا تحصیلاتم را ادامه دهم. این فرد با فضیلت کسی نبود جز دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی.

ایشان مرا ترغیب کرد تا در مقطع دکترا ادامه تحصیل دهم و در این مسیر بسیار حمایت و پشتیبانی نمود. از ایشان آموختم که در ارتباطاتم از زبان نفرت استفاده نکنم. تحمل شنیدن افکار مخالف با خود را برای جستجوگری و یادگیری داشته باشم. برای اینکه در زندگی دیگران تاثیرگذار باشم باید؛ یادگیری مادام‌العمر را پیشه کنم و از یکدستی و یک نواختی دوری کنم و همزیستی و هماهنگی اجتماعی را در همه رویکردهایم مدنظر داشته باشم. این امکان را فراهم کنم که به فراتر از زندگی خودم چشم بگشایم و توان و عظمت خویش را به چشم خود ببینم و دل از قطره برکنم و به دریا زنم و دریابم که هر چه در راه برکشیدن خودم از وضعیت موجود به آینده مطلوب مایه بگذارم، کم است. داستانک یادگیری و آموزش‌های دانشگاهی و آکادمیک من در نقش یک «جستجوگر» ادامه دارد و هنوز پایان نیافته است و باور من به یادگیری مادام‌العمر می‌گوید این کار تا آخرین لحظه‌های زندگی ادامه خواهد داشت.

بخش دیگر آموزش‌های من در دو مقطع زمانی همراه با دوره‌های بلند مدت در کشور ژاپن بوده است. این آموزش‌ها در تغییر دیدگاه من، توانمندی و مهارت‌هایم نقش بسیار برجسته‌ای داشته است. در حین آموزش کاربردی از شرکت‌های بزرگی چون تویوتا بازدید داشتم و مباحث تولید ناب، نوآوری، بهره‌وری، حکمرانی شرکتی را در عمل تجربه کردم. بررسی فرهنگ ژاپنی، ارتباطات موثر، رهبری، توجه و اهمیت دادن به منافع ملی و توجه به منافع دیگران، مسئولیت‌پذیری و حساب‌پسدهی و همکاری همدلانه از نکاتی بود که در عمل از ژاپنی‌ها آموختم.

توصیه‌نامه‌های علمی برای
تحصیل در مقطع دکترا؛
دکتر جبه‌دار مارالانی،
استاد برجسته دانشگاه
تهران و چهره ماندگار برق
و الکترونیک
دکتر عارف، استاد برجسته
دانشگاه شریف و رئیس
گروه مهندسی فرهنگستان
علوم
دکتر محمد مدرس، استاد
برجسته دانشگاه شریف
دکتر فرهنگ، استاد
برجسته دانشگاه تهران
دکتر توکلی مقدم، استاد
دانشگاه تهران

پایان فارغ التحصیلی‌ام در دوره کارشناسی مصادف با مشارکت من در ساخت کارخانه‌ای در استان زنجان شد. طراحی، ساخت، راه‌اندازی و بهره‌برداری کارخانه‌جات صنایع استیل اولین تجربه من در ایجاد یک کارخانه از صفر تا صد بود. این کارخانه در منطقه‌ای محروم توانست اشتغال ایجاد کند و درآمدزایی مردم را بهبود بخشد. تدوین استاندارد ملی ساخت انواع قاشق و چنگال برای اولین بار در کشور با همکاری سازمان ملی استاندارد ایران بر اساس الگوهای ژاپنی اولین تجربه‌ام در تدوین استاندارد ملی بود که با موفقیت انجام شد تا اسناد آن مورد استفاده سایر سازندگان صنعت استیل هم قرار گیرد.

دومین تجربه مهندسی من که یکی از مهم‌ترین کارهایم در دوران جوانی بود، مدیریت مگا پروژه انتقال کارخانه‌جات گروه صنعتی بوتان از تهران به ساوه بود. طراحی و ساخت کارخانه در ساوه، شراکت با ایتالیایی‌ها برای واردات تجهیزات جدید، انتقال ماشین آلات از تهران به ساوه با استراتژی عدم توقف تولید در تهران و طراحی خطوط تولید جدید و بهره‌برداری آن در مدت ۱۸ ماه از کارهایی است که در این پروژه انجام گرفت که بدون اغراق در صنعت ایران بی‌همتاست. این پروژه بر اساس یک محدودیت قانونی طرح‌ریزی شد. قانون استفاده از معافیت مالیاتی شرکت‌ها به شرطی که کارخانه‌هایشان را به خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران منتقل نمایند. از اعتبار این قانون دو سال بیشتر نمانده بود و بایستی در عرض این مدت با کار شبانه‌روزی همراه با دویست پیمانکار و مشاور و شراکت با ایتالیایی‌ها، این پروژه به اتمام می‌رسید که خوشبختانه این چنین شد و افتخاری در صنعت ایران به ثبت رسید. دستاوردها و نتایجی که این پروژه به بار آورد، می‌توان به؛ افزایش تولید سالانه آبگرم گازی از ۶۰،۰۰۰ به ۱،۸۰۰،۰۰۰ دستگاه، دستیابی بوتان به سومین رتبه تولیدکننده آبگرم گازی در دنیا، افزایش کیفیت آبگرم گازی و صادرات آن به اروپا، ایجاد ۶۰۰۰ شغل در استان مرکزی و افزایش ۸۰ درصدی درآمد شرکت در عرض ۲ سال اشاره نمود. حاصل این تلاش را می‌توان در تقدیرنامه‌هایی که از مراجع مختلف دریافت کردم، مشاهده کرد. برخی از این تقدیرنامه‌ها در «داستان سفر من» پیوست شده است. تدوین استاندارد اجباری و ملی محصولات آبگرم گازی از اقدامات دیگر من بود که با مشارکت همکارانم در کارخانه و سازمان ملی استاندارد ایران انجام گرفت.

در دهه هشتاد شمسی دپارتمان برنامه‌ریزی استراتژیک در شرکت‌های دولتی و خصوصی وجود نداشت و چنین رویکردی در سازمان‌ها مرسوم نبود. با سفری که به اروپا داشتیم این ایده را از شرکت‌های اروپایی آموختیم و با کمک اساتید و متخصصین خارجی، دپارتمان برنامه‌ریزی استراتژیک را در گروه صنعتی بوتان بنیان نهادیم و مدیریت آن را به عنوان اولین تجربه به عهده گرفتم. تجربه و کار در حوزه توسعه استراتژی و آینده‌نگری، دریچه دیگری به روی من گشود. یاد گرفتم که من باید «طراح و معمار» باشم ولی نه برای برپاسازی یک ساختمان.

جانمایی، امکان‌سنجی، طرح‌ریزی، ساخت، بهره‌برداری و تولید محصولات شرکت صنایع استیل ایران
مدیریت مگا پروژه انتقال کارخانه‌جات گروه صنعتی بوتان از تهران به ساوه (صنایع لوازم خانگی)
پایه‌گذار دپارتمان برنامه‌ریزی استراتژیک برای اولین بار در کشور در گروه صنعتی بوتان
موسس و مدیرعامل شرکت ارزش‌آفرینان
بازآفرینی گروه صنعتی مدلل با پنج شرکت در پنج نقطه کشور به عنوان قائم‌مقام مدیرعامل (صنایع غذایی)
ایجاد گروه توسعه فولاد نطنز با ۱۰ شرکت به عنوان قائم‌مقام مدیرعامل (صنایع فولاد و ذوب‌آهن)

بلکه باید همه توان و قابلیت‌هایم را بکار گیرم تا یک «طراح و معمار سازمان» باشم که از اولی بسیار پیچیده‌تر و به مراتب مشکل‌تر است چون با سیستم‌های زنده و پویا سر و کار دارد.

بنابراین یکی از کارهای من طراحی و معماری شد. طراحی سازمان‌هایی که قابلیت آمادگی و چابکی لازم برای سوار ماندن بر امواج خروشان تغییر مداوم را داشته باشند و ساختاری که سرعت تصمیم‌گیری و کیفیت اجرا را متناسب با عرصه‌ی رقابتی امروز تامین نماید. ماموریت و قصد من هم «پل‌سازی» شد. البته نه پلی که دو مکان فیزیکی را بهم وصل می‌کند. بلکه، بین تفکر و اندیشه با تجربه و عمل پلی در سازمان‌ها ساخته شود و پایه‌های آن یاددهی و یادگیری، مربی‌گری، منتورینگ و اجرای عملیات باشد تا رهبران و کارکنان سازمان‌ها بتوانند خود را کشف کنند و خویشتن را با اصالت رهبری نمایند تا هم خودشان و هم سازمان‌شان در مسیر درست و پایدار بمانند. با این تفکر، در سال ۱۳۸۲ شرکتی را بنا نهادم که این ماموریت داشته باشد و بتواند با پروژه‌هایی که انجام می‌دهد هم آفرینی را ترویج و نهادینه کند. یعنی هم‌آفرینی با سازمان‌هایی که بخواهند و بتوانند چابکی و انعطاف‌پذیری لازم برای فعالیت در محیط آشوبناک امروز، و آمادگی و هوشمندی حضور در عرصه‌های ناشناخته‌ی فردا را در خود پیروانند. شرکت ارزش‌آفرینان در طول فعالیت خودش که کماکان ادامه دارد، پروژه‌های ارزشمندی را در صنایع مختلف به مرحله‌ی اجرا درآورده است که در بخش بعدی به آنها اشاره خواهد شد: صنعت سیمان، صنعت بانکداری، صنعت ارتباطات، صنعت نفت، صنعت ذوب آهن اصفهان، سازمان استاندارد، اتاق‌های بازرگانی و ...

تجربه مهندسی و مدیریتی دیگر من در گروه صنعتی مدل متشکل از شرکت‌های کشت و صنعت کرمانشاه، کشت و صنعت شمال، نابدانه سمنان، سیمان غرب و ... بود که بعد از یک دوره موفقیت در مسیر فترت قرار داشت و بخشی از آنها فعالیت خود را متوقف کرده بودند. به درخواست یکی از دوستانم برای بازآفرینی و بازسازی گروه مذکور دعوت شدم و به عنوان قائم مقام مدیرعامل، معماری و مهندسی مجدد آن را انجام دادیم و کارخانه‌جات را با متخصصین اسپانیایی و پاکستانی به مدار تولید با کیفیت و با بهره‌وری برگرداندیم و جز ۳ شرکت برتر در مواد غذایی شدیم.

تجربه دیگر من در شرکت‌های فولاد نطنز، ذوب آهن نطنز، معدن اسپیدان، شرکت کنسانتره نطنز و چند شرکت وابسته بود که نیازمند سازماندهی، رفع مشکلات خطوط تولید، ایجاد سیستم تعمیر و نگهداری جامع، یکپارچه نمودن عملیات مالی، بازاریابی، مهندسی، زنجیره تامین و فروش بود. مالک این شرکت‌ها که مدیرعامل هم بود از من درخواست کرد که به بازسازی و یکپارچه کردن تمام شرکت‌ها و عملیات با اختیار تام به عنوان قائم‌مقام مدیرعامل بپردازم. بعد از جذب و سازماندهی افراد متخصص به عنوان معاونین قائم‌مقام، گروه «توسعه فولاد نطنز» را طراحی و معماری نمودیم و همه شرکت‌ها و عملیات در قالب یک زنجیره ارزش یکپارچه قرار گرفت. بعد از توقف کوتاه به دلیل شرایط محیطی، مجدداً در سال ۱۴۰۲ این اقدامات کلیدی ادامه پیدا کرد.

نمونه ای از تقدیرنامه‌ها

دریافت نشان لیاقت

مدیریت ایران

لوح تقدیر از جایزه ملی

بهره‌وری و تعالی سازمانی

ایران

لوح تقدیر از انجمن

مدیریت ایران

لوح تقدیر از وزیر صنایع و

معادن ایران - مهندس

جهانگیری

لوح تقدیر از انجمن مدیران

صنایع ایران

لوح تقدیر از وزارت صنایع

و معادن در چند دوره

لوح تقدیر از فرهنگستان

علوم

لوح تقدیر از کنفرانس‌های

ملی و بین‌المللی

لوح تقدیر از دانشگاه

تهران

لوح تقدیر از سازمان

مدیریت صنعتی

لوح تقدیر از گروه صنعتی

بوتان

لوح تقدیر از اتاق بازرگانی

تهران

لوح تقدیر بانک گردشگری

لوح تقدیر از بانک کارآفرین

لوح تقدیر از انجمن آموزش

مهندسی ایران

لوح تقدیر از دفتر سازمان

ملل متحد در ایران

۳) «مربی و فضا ساز»

یکی دیگر از کارهای من فضا سازی و کشف فضاهای مناسب برای هم آفرینی است. فضایی که در آن کارکنان توانمند بتوانند بیشترین استعدادها و آرزوهایشان را در راستای معماری سازمانی، توسعه استراتژی، چشم انداز مشترک و آینده سازی به ظهور برسانند. در آن فضا، فرهنگ سازمانی طراحی شود که همدلی، مشارکت، اعتماد، هم افزایی و مسئولیت پذیری را ترویج کند. فضایی که امکان مربی گری را فراهم کند تا بازیگران میدان بازی کسب و کار را میدان بازی خود بدانند و پیروزی در این بازی، پیروزی آنها باشد. در فرهنگی که مربیان به توانمندی های بازیگران خود ایمان داشته باشند و حصول اطمینان کنند که بهترین امکانات و آمادگی ها برای بهترین عملکرد در اختیار بازیگران اصلی (کارکنان) قرار دارد.

پروژه ها و کارهایی که در نقش رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت ارزش آفرینان بر پایه ماموریت فوق الذکر انجام دادم موارد زیر را شامل می شود:

طراحی و پیاده سازی برنامه استراتژیک، معماری سازمانی، مدل حکمرانی شرکتی و اجرای پایلوت برنامه های عملیاتی بانک کارآفرین

طراحی و پیاده سازی برنامه استراتژیک، برنامه عملیاتی، مهندسی فرایندها و ساختار سازمانی و پیاده سازی آنها در بانک گردشگری

توسعه و توانمندی سازی مدیران شرکت ملی نفت ایران (مدیریت اکتشاف)

نظارت بر مشاوران فرانسوی شرکت مخابرات ایران در پروژه برنامه استراتژیک و ساختار سازمانی تصدی معاونت مدیرعامل در بانک اقتصاد نوین با عنوان «معاون برنامه ریزی و توسعه سازمانی» دستاوردها و نتایج این اقدامات سبب شد تا بانک کارآفرین و بانک گردشگری در مسیر توسعه، درآمدزایی و افزایش کیفیت خدمات قرار گیرد و در رتبه بندی سازمان مدیریت صنعتی جز ۱۰۰ شرکت برتر شود. معماری سازمانی، تکنولوژی اطلاعاتی و طراحی محصولات و خدمات از حوزه های مورد تمرکز ما بود که تغییر و تحول بنیادین ایجاد شد و تقدیرنامه های هر دو بانک که به پیوست می باشد، تایید این موضوع است.

بعد از خصوصی شدن شرکت مخابرات ایران، ۲ شرکت فرانسوی مسئولیت معماری سازمانی و ایجاد تغییر و تحول در آن شرکت را به عهده گرفتند اما با گذشت زمان دستاورد مورد انتظار محقق نشد. در همین راستا از من دعوت شد تا ضمن نظارت بر عملکرد مشاوران خارجی، برنامه های پیشنهادی خودم را به موازات آنها پیاده کنم. نتیجه این بود که هیات مدیره شرکت مخابرات برنامه های ما را پذیرفت و ساختار سازمانی و برنامه استراتژیک ما به اجراء درآورد.

بانک اقتصاد نوین با تغییر مدیریتی که داشت از من دعوت بعمل آورد تا به عنوان «معاون برنامه ریزی و توسعه سازمانی مدیرعامل» تحولات مشابه بانک کارآفرین و بانک گردشگری بعمل آورم. یک برنامه تحول طراحی شد و بخشی از آن اجرا شد ولی به دلیل تغییرات مالکیتی در بانک، بقیه کار متوقف شد.

طراحی و پیاده سازی برنامه استراتژیک، معماری سازمانی و اجرای پایلوت برنامه های عملیاتی بانک کارآفرین
طراحی و پیاده سازی برنامه استراتژیک، برنامه عملیاتی، مهندسی فرایندها و ساختار سازمانی بانک گردشگری
توسعه و توانمندی سازی مدیران شرکت ملی نفت ایران (مدیریت اکتشاف)
نظارت بر مشاوران فرانسوی شرکت مخابرات ایران در پروژه برنامه استراتژیک و ساختار سازمانی
معاونت مدیرعامل در بانک اقتصاد نوین با عنوان «معاون برنامه ریزی و توسعه سازمانی»

۴) «هم‌آفرین و آینده‌ساز»

بخش دیگر از فعالیت‌های من مرتبط با اقتصاد کلان و توسعه پایدار است. من با اندیشه‌ورزی، ایده‌پردازی و الهام‌گرفتن از تجربه‌های درونی و چالش‌های محیطی، گوش و دل و تفکر من را در بر روی توسعه پایدار کشور متمرکز کردم. همه تلاشم این بود تا با پرسش‌گری، کنجکاوی و تاب‌آوری، دریچه‌های جدیدی به روی تعلقات و داستان‌های فراوان و بی‌پایانی که جهان برای من دارد بگشایم. من با شکستن تالاری از آینه‌ها که فقط خودمان را منعکس می‌کند، در عرصه‌ی تنوع بخشی، هم‌آفرینی و نوآفرینی گام برداشتم و در بستری از اعتماد، شفافیت و مسئولیت‌پذیری به سمت ساختن آینده‌ای که عرصه‌ی بخشیدن و کامل زیستن برای خود و جامعه باشد، رهسپار شدم. در این راستا چندین فعالیت عمده خودم را به اختصار توضیح می‌دهم:

پذیرش مسئولیت عضو هیات مدیره و دبیرکلی «کنفدراسیون صنعت ایران» که بالغ بر ۹۰ عضو تشکیلی داشت. در طول این دوران در حوزه‌هایی چون توسعه بخش خصوصی، ارتقای فضای رقابتی، افزایش تعاملات دولت و بخش خصوصی، کاهش مشکلات و موانع تولید کاهش مکانیزم‌های اقتصاد دولتی، توسعه اقتصاد بازار و شاخص‌های آزادی اقتصادی و... فعالیت کردم.

همکاری با اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران یکی دیگر از فعالیت‌های من در این حوزه است. طراحی برنامه استراتژیک و ساختار سازمانی اتاق تهران، توانمندی‌سازی دبیران اتاق ایران، حضور در کمیسیون‌ها و... در جهت پایداری سازی توسعه پایدار و بخش خصوصی بود.

همکاری با دفتر سازمان ملل ایران پیرامون توسعه اهداف هزاره بخش خصوصی به مدت چند سال در جهت دستیابی کشور به توسعه پایدار و مشارکت بخش خصوصی در دستیابی به اهداف هزاره و توسعه سازمان ملل در ایران بود.

همکاری با جایزه ملی تعالی سازمانی به عنوان عضو کمیته علمی و راهبری از فعالیت‌های من در جهت تحقق تعالی سازمان‌ها، توسعه کسب‌وکارها، افزایش بهره‌وری و توانمندسازی رهبران و مدیران بود. مشاور شرکت‌های مختلف، تشکل‌ها و سازمانی دولتی از جمله شرکت ذوب‌آهن، انجمن تجهیزات صنعتی، فدراسیون انرژی ایران، شرکت سیمان شمال، و... از فعالیت‌های دیگر من محسوب می‌شود که در توسعه و پایداری‌سازی کسب‌وکارها، تشکل‌ها و نهادها موثر بوده است.

برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای سطوح مختلف از مدیران ارشد تا کارشناسان، از دانشجویان تا استادان دانشگاه یکی دیگر از فعالیت‌های من است. مباحثی هم‌چون: انقلاب صنعتی چهارم و فناوری‌های تاثیرگذار بر زندگی بشری، توسعه رهبری، توسعه استراتژی و مدل‌های برنامه‌ریزی، تفکر سیستمی، تولید ناب، سازمان‌های چابک، مهندسی فرایندها و...

طراحی دو مدل با عنوان: «پایداری‌سازی کسب‌وکار» و «یادگیری پایدار برای مهندسان فردا»، تالیف کتاب‌هایی چون «فرایند برنامه ریزی استراتژیک»، «سنگ بنای بهره‌وری»، «معماری سازمانی» و «پروفایل مهندسان برجسته فرهنگستان علوم» به همراه بیش از ۱۰۰۰ مقاله، مصاحبه و سخنرانی در رسانه‌ها و کنفرانس‌ها از کارهای من در حوزه فعالیت‌های آکادمیک و توسعه پایدار محسوب می‌شود. برای مثال: ۳۸۶ مورد در آرشیو یک روزنامه یعنی، روزنامه دنیای اقتصاد را می‌توان از مطالب من مشاهده کرد.

عضو هیات مدیره و دبیرکل «کنفدراسیون صنعت ایران»
مشاور اتاق‌های بازرگانی ایران و تهران
همکاری با دفتر سازمان ملل ایران پیرامون توسعه اهداف هزاره بخش خصوصی و عضو کمیته علمی و راهبری جایزه ملی تعالی مشاور شرکت‌ها و سازمان‌ها
برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی
طراحی دو مدل با عنوان: «پایداری‌سازی کسب‌وکار» و «یادگیری پایدار برای مهندسان فردا» تالیف کتب، حضور در رسانه‌ها و کنفرانس‌ها